

جمعه گردی های اسماعیل نوری علا

اوباما هنوز با آنها است

در «گزارش وضعیت اتحادیه»ی امسال آقای اوباما دیگر اشاره ای به وضعیت حقوق بشر در ایران، سرکوب مخالفان، و محروم کردن شهروندان ایرانی از حقوق روزمره خود وجود نداشت و کل مسئله آمریکا با رژیم به ماجرای اتمی تقلیل یافته بود. این دو نکته را که کنار هم بگذاریم روشن می شود که آقای اوباما معتقد است که اولویت «منافع ملی» و خواست های آمریکا از حکومت اسلامی با مسئله اتمی ارتباط دارد و اگر «همه گزینه ها روی میز باشد» اشاره سخن اش به همه گزینه هائی است که می توانند رژیم را از رسیدن به سلاح اتمی بازدارند و، لذا، اگر رژیم از این ماجراجویی دست بردارد قادر خواهد بود که «به جمع خانواده ملل» برگردد.

esmail@nooriala.com

گزارش «وضعیت اتحادیه»، نام سخنرانی رئیس جمهورهای آمریکا است که سالی یک بار در ساختمان کنگره آمریکا و با حضور همه چهره های سیاسی این کشور انجام می شود و رئیس قوه مجریه آمریکا گزارشی از اوضاع گذشته و حال کشور و برنامه هائی که برای آینده آن دارد را به نمایندگان مردم، و از طریق رسانه ها، به ملت آمریکا ارائه می کند. این گزارش اما، در سومین سال دور اول ریاست جمهوری هر فرد، حال و هوائی متفاوت از سال های گذشته اش پیدا می کند؛ چرا که این آخرین گزارش رئیس جمهور در دور اول ریاست اش محسوب شده و سال دیگر ممکن است رئیس جمهور جدیدی به کاخ سفید راه یافته و رئیس فعلی فرصت آن را نیافته باشد که دور دوم ریاست خود را آغاز کند. بنا براین، سومین گزارش همیشه یک نطق انتخاباتی نیز محسوب می شود که در آن رئیس جمهور نشسته در قدرت می کوشد رأی دهندگان امریکائی را قانع کند تا او را برای بار دوم به کاخ سفید بفرستند. به همین دلیل این گزارش سرشار است از برجسته کردن دست آوردها و خدمات انجام شده در سه سال گذشته و وعده های شیرین برای پنج سال دیگر. رئیس جمهور در گزارش اول و دوم (دور اول ریاست) و چهارم تا هفتم (دور دوم ریاست اش) نیازی به ادای اینگونه سخنرانی ها ندارد و می تواند آزادانه تر از همه چیز و همه جا سخن بگوید. در عین حال، این ویژگی سومین سخنرانی، به مفسران کمک می کند تا دریابند که رئیس جمهور کدام نکات را در افکار عمومی رأی دهندگان با اهمیت می داند و می کوشد تا با مطرح ساختن و پاسخگویی مناسب به آنها، زمینه را برای انتخاب مجدد خویش هموار سازد.

سه شنبه این هفته نوبت سومین گزارش «وضعیت اتحادیه»ی آقای باراک حسین اوباما بود و او نیز هیچ لحظه ای از سخنرانی خود را وقف نکته ای جز اینکه ثابت کند که «من شایسته انتخاب مجددم» نکرد. نود و پنج درصد از این گزارش به اوضاع اقتصادی آمریکا اختصاص داشت و آقای اوباما همه هنر سخنوری خود را بکار برد تا رأی دهندگان را قانع کند که سیاست های اقتصادی او در سه سال گذشته درست و مؤثر بوده و کشور تازه دارد خود را از منجلاب اقتصادی ساخته شده به دست کابینه قبلی بیرون می کشد و حق آن است که ملت آمریکا، با انتخاب مجدد او، اجازه ندهند که همه چیز به دوران قبلی، که تحت سیطره «جمهورخواهان» بود، برگردد و حاصل کوشش های سه سال بر باد رود.

به همین دلیل، در این سخنرانی، «سیاست خارجی» کمترین جا را اشغال کرده بود و آنچه او در این زمینه گفت، بخصوص تا آنجا که به کشور ما مربوط می شد، سخنانی تکراری بشمار می رفت که فقط برای «خالی نبودن عریضه» ادا می شدند. من این اشارات مربوط به کشور خودمان را در چند مورد قابل بررسی می دانم:

الف: ایران منزوی ترین کشور جهان است

ب: امریکا و متحدانش بیشترین فشارها را بر ایران وارد می سازند

پ: هدف این فشارها وادار کردن حکومت اسلامی به تغییر مواضع نامطلوب خویش است

ت: محتوای این «مواضع نامطلوب» کلاً به مسئله اتمی شدن رژیم ایران بر می گردد

ث: اگر رژیم از این کار دست بکشد می تواند به جمع خانواده ملل برگشته و از انزوا خارج شود

ج: در این مورد آقای اوباما «همه گزینه» ها را روی میز خود نگاه داشته است

چ: و امریکا با تمام قوا از موجودیت اسرائیل حفاظت خواهد کرد.

چنانکه می بینید، در گزارش «وضعیت اتحادیه» ی امسال آقای اوباما دیگر اشاره ای به وضعیت

حقوق بشر در ایران، سرکوب مخالفان، و محروم کردن شهروندان ایرانی از حقوق روزمره خود وجود نداشت و کل مسئله امریکا با رژیم به ماجرای اتمی تقلیل یافته بود. این دو نکته را که کنار هم بگذاریم روشن می شود که آقای اوباما معتقد است که اولویت «منافع ملی» و خواست های امریکا از حکومت اسلامی فقط با مسئله اتمی ارتباط دارد و اگر هم می گوید که «همه گزینه ها روی میز است» اشاره سخن اش به همه گزینه هائی است که می توانند رژیم را از رسیدن به سلاح اتمی بازدارند و، لذا، اگر رژیم از این ماجراجویی دست بردارد قادر خواهد بود که «به جمع خانواده ملل» برگردد.

البته آقای اوباما چند شعار توخالی هم سر داد که از یکسو در تنافر کامل با آنچه در مورد ایران می گفت قرار داشتند و، از سوی دیگر، مدعی آن بودند که امریکا شدیداً در فکر گسترش «ارزش» هائی است که این کشور را به موقعیت کنونی اش رسانده اند؛ شعارهائی که بخشی از گزارش «وضعیت اتحادیه» را به انشاء های کودکان شبیه می ساخت.

اما پیش از اینکه به ابعاد دیگر همین اشارات ساده بپردازم، بهتر است این نکته مطرح کنم که اگر تنها «حل مسئله اتمی» در مد نظر آقای اوباما و کابینه اش باشد می توان دریافت که او حاضر است تا، در صورت کنار گذاشتن پروژه اتمی شدن، با همین رژیم کنار بیاید. از سوی دیگر، اگر رژیم این پروژه را نه برای دستیابی به سلاح هسته ای در راستای بکار بردن آن، بلکه برای داشتن مهره ای به هنگام معامله با امریکا مطرح کرده باشد، از طریق این پیام در می یابد که تاکتیک اش کار کرده است و اکنون می تواند با کنار گذاشتن ملیح این پروژه استمرار خود را بیمه کند. بدینسان، آقای اوباما، بار دیگر، امتیاز مهمی را به حکومت اسلامی باخته است.

در عین حال روشن است که «نگه داشتن همه گزینه ها بر روی میز» به معنی سرگردانی و بی تصمیمی آقای اوباما و کابینه اش نیز هست و اگرچه برای خیلی ها که نگران دخالت امریکا در پایان دادن به عمر رژیم اسلامی اند خبر از آن دارد که، متأسفانه، «گزینهء حملهء نظامی» هنوز کنار گذاشته نشده

است، اما برای آنان که دل به همین دخالت بسته اند نیز جایی بزرگ را برای امیدواری باز می گذارد تا «احمد چلبی» های ایرانی دل خوش از این باشند که اگر دری به تخته بخورد و حکومت اسلامی دیوانگی کند و تن به سازش ندهد بالاخره روزی گزینه نظامی اولویت یافته و جاده صاف کن رسیدن آنان به قدرت خواهد شد.

پس، می توان صحنه شطرنجی را مجسم کرد که در یک سویش آقای اوپاما نشسته است و در سوی دیگرش آقای خامنه ای. اما مهره های این شطرنج را چه تشکیل می دهند؟ پاسخ من آن است که در این میانه این مردم ایرانند که حکم مهره شطرنج را یافته و، در هر حرکت طرفین، تعدادی از خود و توانائی های خویش را از دست می دهند. آقای اوپاما تحریم می کند، دودش به چشم مردم می رود؛ آقای خامنه ای تهدید می کند، فرزندان ایران زیر دست و پا له می شوند. و این شطرنج می تواند تا از دست رفتن آخرین مهره ها نیز ادامه پیدا کند. نطق آقای اوپاما تنها حرکتی کوچک و تکراری در این بازی محسوب می شود و بیشتر خبر از بن بست دارد تا راه حل.

اما آن عاملی که در این میانه مفقود است به غایت اراده همین مهره های شطرنج مربوط می شود که اگرچه بعنوان مهره بکار گرفته می شوند اما، در واقعیت، آدم های پیر و جوان و با پوست و گوشت و استخوانی هستند که در این بازی مخوف هر روز لاغرتر، کم بنیه تر و بی چاره تر می شوند. اگر مهره های شطرنج نمی توانند علیه بازیکنان کاری کنند و سربازها و اسب ها و فیل هاشان صرفاً به اراده آنان کشته و از میدان خارج می شوند، در «شطرنج سیاسی» مهره ها نیز می توانند - اگر بشود یا بخواهند - تن به بازی گرفتن ندهند و از تحلیل رفتن قوای خود جلوگیری کنند. پس اگر آقای اوپاما به آنها بصورت مهره هائی قابل مصرف می نگرد، و اگر آقای خامنه ای از به کشته دادن و نابودی آنها ابائی ندارد، این «مهره - آدم ها» می توانند خود نیز نقشی جدید را در بازی بر عهده گرفته و حواس دو بازیگر را بهم ریخته و زمام کار را خود به دست گیرند.

اما، می دانیم که اگرچه دو سال پیش مردم ایران بصورت آدمیانی مدرن و رزمنده و خواستار حقوق بشر و دموکراسی در صحنه شطرنج عمل کرده و خواب شطرنج بازان را آشفته ساختند، اکنون بنظر می رسد که رفته رفته به مردمی مستأصل، تن داده به «سر نوشت های از پیش تعیین شده» و آدمیانی منفعل تبدیل گشته اند.

حال اگر تصویری که رسم می کنم شباهتی واقعی به اوضاع کشورمان داشته باشد، آنگاه لازم است تا از خیر گزارش «وضعیت اتحادیه» ی آقای اوپاما گذشته و، با کنار نهادن نقش بیگانه در تعیین سرنوشت کشورمان، به مردمی بیاندیشیم که دو سال پیش دولتی خوش درخشنده اما مستعجل داشتند. در این اندیشیدن، وظیفه ما تحلیل دلایل انفعال مردم ایران و، بر اساس آن تحلیل، یافتن راه حل هائی برای خروج از بن بست کنونی است. بخصوص که «انفعال» هیچ گاه به معنای پایان گرفتن هیچ ماجرائی نیست و تنها ظهور و بروز خشم ها و انرژی های انباشته شده را به تأخیر می اندازد. کشور ما هم اکنون بصورت ساختمانی در آمده است که آن را غرق بنزین کرده باشند و، در نتیجه، زدن جرقه کبریتی می تواند آن را در احتراقی بزرگ بسوزاند. فراموش نکنیم که تمام آنچه امروز «بهار عربی» خوانده

می شود با جرقه کبریت آن جوان تونس‌ای آغاز شد؛ همانگونه که آن نامه کذائی در مورد خمینی در سال 56 نیز آغاز روندهائی سلسله وار را کلید زد که یک سال بعد به فروپاشی رژیم سلطنتی ایران انجامید.

اما پرسش آن است که چرا رهائی از وضعیتی منفعلانه باید با احتراق و آتش سوزی همراه باشد؟ چگونه می توان با پرداخت کمترین هزینه ها و ضایعات از بن بست کنونی خارج شد؟ چگونه می توان به آقای خامنه ای گفت که دست یابی واقعی یا فلابی و مجازی شما به اسلحه اتمی نیز نمی تواند بیمه گر عمر شما و مداوم کننده اقتدارتان باشد؟ چگونه می توان به آقای اوباما حالی کرد که نمی توان به این آسانی بر سر زندگی و حیثیت یک ملت دست به اعمالی غیر مسئولانه و ماجراجویانه زد؟ پاسخ من به همه این پرسش ها دو گانه است. نخست اینکه تنها لازم است بخشی از این جمعیت منفعل از حالت انفعالی خارج شده و فعالانه در راستای شرکت در سرنوشت کشور دست بکار شود. این خروج از انفعال می تواند همان جرقه کبریت باشد. اما این نکته نیز آشکار و بدیهی است که یک چنان «بخش» توانائی نمی تواند در زیر سایه سرکوب وحشیانه حکومت کنونی کاری انجام دهد. هم اکنون همه رهبران بالقوه ای که می توانند بدیلی را در برابر حکومت اسلامی بنشانند در زندان های بیرونی و خانگی اسیرند و در یک قدمی تشدید شکنجه های هولناک قرار دارند و، در عین حال، ده ها بار، به زبان های مختلف، برای «مردم این سوی دیوار» پیغام فرستاده اند که: «ما همه کردیم کار خویش را / تو هم ای خواجه بجناب ریش را!!»

پاسخ دوم من به ادامه روحیه «دائی جان ناپلئونی» در ما اشاره دارد. اگر ما خود را مسئول امور کشور خود می دانستیم؛ اگر اعتقاد داشتیم که هم اکنون وظیفه ای تاریخی بر گرده ما نهاده شده، و اگر یقین داشتیم که دخالت سازمان یافته ما می تواند در تعیین وضعیت آینده کشورمان مؤثر باشد، هرگز با این همه امید پای صحبت آقای اوباما نمی نشستیم و انتظار آن را نمی کشیدیم که شاید او دهان باز کند و راه حل خروج از بن بست را به مردم کشورمان هدیه دهد. همانگونه که اگر متحد و منسجم بودیم آقای اوباما نمی توانست به این راحتی از کنار همه مشکلات ایران بگذرد و آنها را به مسئله اتمی تقلیل دهد.

باری، از نظر من، تفسیر ایران مدار گزارش «وضعیت اتحادیه» ی آقای اوباما نمی تواند - و نباید - حاصل دیگری داشته باشد جز اینکه بفهمیم و بدانیم که ایرانیان خارج کشور تنها عواملی هستند که می توانند کل ساختار معادله کنونی را تغییر داده و با شرکت در اتحادهای وسیع خود همان نیروی منسجمی را فراهم آورند که در حال حاضر در محاسبات متقابل «اوباما - خامنه ای» عنصر مفقوده محسوب می شود. پ

با ارسال ای - میل خود به این آدرس می توانید مقالات نوری علا را هر هفته مستقیماً دریافت کنید:

NewSecularism@gmail.com

مجموعه آثار نوری علا را در این پیوند بیابید:

<http://www.puyeshgaraan.com/NoorialaWorks.htm>